



دین و عرفان

علویان فرقه گمنام شیعی

علی اکبر خیابانی

علویان نصیری و خاورشناسان فرانسوی

یکی از فرقه گمنام شیعه اثنی عشری فرقه نصیریته است که در دوران استعمار فرانسه در سوریه (۱۹۱۸-۱۹۴۸) به علویه (منسوب به علین این طالب علیه السلام) شهرت یافت. از اوایل قرن بیستم میلادی سیاستمداران فرانسوی در صدد تجزیه سوریه به دولتهای مستقل علویه، دروز و حکومت مرکزی دمشق بودند. مسلماً انجام این طرح بدون مطالعه یافت دینی این مناطق امکان پذیر نبود، بنابراین مطالعه درباره نصیریته نیز مورد توجه قرار گرفت. اما در راه تحقیق درباره این فرقه این مشکل وجود دارد که چون پیروان آن همواره مورد ظلم و تعدی همسایگان متعصب و مناطق اسماعیلی نشین قرار می گرفته اند، برای حفظ عقاید و آداب و رسوم خویش و مبارزه با حریم تکفیر مخالفان به حفظ و مراقبت شدید کتب و آثار خطی قیمت گماشته اند، به طوری که شک و ابهام فراوانی نسبت به این فرقه پدید آمد و هر کس به ظن و گمان خویش چیزی به آنان نسبت داده و حتی کسانی چون ابن تیمیه و شیخ عبدالرحمن افندی عمادی این فرقه را تکفیر کردند و ریختن خون پیروان آن را مباح دانستند. قبل از ورود به بحث درباره تاریخ و عقاید این فرقه نگاهی کوتاه به

* پیروان این فرقه برای حفظ عقاید و آداب و رسوم خود و مبارزه با حریم تکفیر مخالفان به حفظ و مراقبت شدید کتب و آثار خطی خود همت گماشتند.

* گرچه از عقاید نصیریته در منابع و ماخذ فرق اسلامی ذکری رفته است، لیکن تا سال ۱۸۶۳ کسی به تفضیل درباره آنها سخن نگفته است.

* در سال ۱۸۶۳ یکی از شیوخ این فرقه که توسط مسیونرهای امریکایی به دین مسیح (ع) در آمده بود، اولین کتاب را در افشای عقاید و عادات و رسوم آنان نوشت.

* از مهمترین نویسندگان علوی شناس فرانسوی لویی ماسینیون است که فهرست وی از آثار علویان عاری از نقص اشتباه نیست.

کیفیت شناخت خاورشناسان از این فرقه شیعی می‌کنیم تا بسادگی به آراء آنان اعتماد نکرده، از خطرات و لغزشهای تحقیق به دور بمانیم. البته چون فرانسویان در برملا کردن عقاید این فرقه از دیگر خاورشناسان پیشتر رفته‌اند، بحث را از آنان آغاز می‌کنیم.

گرچه عقاید نصیری به اختصار در منابع و ماخذ فرق اسلامی ذکر شده است، لیکن تا سال ۱۸۶۳ م کسی به تفصیل درباره آنها سخن نگفته بود، تا اینکه در آدنای ترکیه یکی از شیوخ همین فرقه به نام شیخ سلیمان اذنی به وسیله میسیونرهای آمریکایی به دین مسیحیت درآمد. وی بعد از آن مدتی در شهر لاذقیه - یکی از شهرهای بسیار قدیمی شمال غربی سوریه و کنار ساحل مدیترانه - اقامت گزید و کتابی به نام «الباکوره السلیمانیه فی کشف اسرار الدیانه النصیریة» را در افشای عقاید و عادات و رسوم آن فرقه نصیری به رشته تحریر در آورد. میسیونرهای آمریکایی این کتاب را در سال ۱۸۶۳ م و سپس در سال ۱۸۶۴ م به چاپ رساندند. به محض اینکه این کتاب در مناطق علوی‌نشین سوریه و ترکیه منتشر گردید، مورد بغض و دشمنی شیوخ باطنی این فرقه قرار گرفت، زیرا آنان بشدت از برملا شدن عقاید خویش نگران بودند. البته مطالب این کتاب در بسیاری از موارد با عقاید فعلی آنان سازگار نبود و علویان هم پاره‌ها آنها را تکذیب کردند، تا همچون عصر ابن تیمیه و عثمانیان مورد تکفیر و قتل عام مخالفان قرار نگیرند. علویان نامه‌های محبت باری را برای شیخ سلیمان از زادگاهش فرستادند و از او دعوت کردند که به میان همکیشان پیشین خویش بازگردد، ولی وقتی وی به دیار خویش بازگشت مردم او را محاصره کردند و سپس زنده زنده در آتش سوزانیدند. کتاب وی نیز بسرعت از تمام شهرها جمع آوری و سوزانده شد، بطوری که در حال حاضر این کتاب جزو سرتی ترین آثار این فرقه به شمار می‌آید.

اما در هر حال وجود چند نسخه از آن کتاب کافی بود که خاورشناسان به آنها دست یافته و از مضامین و عقاید این فرقه آگاه شوند. در آن زمان نویسنده‌ای به نام یوسف کتافاگو^(۱) در بیروت به نسخه‌ای از کتاب مذکور دست یافت و تحلیلی درباره آن در «مجله آسیایی»^(۲) به زبان فرانسوی منتشر ساخت. از طرف دیگر کلمان هوارت^(۳) در همان مجله^(۴) مقاله‌ای دیگر به زبان فرانسوی درباره آن کتاب نوشت و قصادی را که شیوخ نصیری درباره عقاید خویش سروده بودند و سلیمان اذنی در کتاب الباکوره آورده بود، به زبان فرانسوی ترجمه و در پاریس منتشر ساخت. ولی به نظر من ادوارد سالیسبوری^(۵) در سال ۱۸۶۴ م، یعنی سال انتشار کتاب الباکوره در بیروت، در مقاله «اسرار مذهب نصیری»^(۶) ترجمه کاملتری از آن کتاب به دست داد. کتافاگو عامل مهمی برای دستیابی فرانسویان به نسخ خطی و سرتی نصیری به شمار می‌آید، پنه وی کتاب مهم تعلیم الدیانه النصیری را که اثر نویسنده‌ای است گمنام، برای کتابخانه ملی پاریس فرستاد^(۸).

سپس در سال ۱۸۹۹ هنری لامتنس فرانسوی کتابی درباره تاریخ و عقاید نصیریان تألیف کرد.^(۹) وی در سالهای ۱۹۰۱، ۱۹۰۲، ۱۹۱۰ و ۱۹۱۵ مقالات متعددی درباره نصیریان و ملاقات وی با یکی از شیوخ عالی‌رتبه حیدریه، که از فرقه نصیری می‌باشد، در مجلات فرانسوی نوشت. مهمتر از اینها کتاب ریته‌دسو در تاریخ فرقه نصیری به بود که در سال ۱۹۰۰ در پاریس به چاپ رسید.

از مهمترین نویسندگان علوی‌شناس فرانسوی می‌توان لویی ماسینیون را نام برد. او اولین بار در سال ۱۹۱۳ م مقاله‌ای درباره نصیری به در دائره المعارف اسلامی^(۱۴) و سپس در سال ۱۹۲۲ م مقاله‌ای دیگر در این باره در ۳ صفحه^(۳) به رشته تحریر در آورد. مسلماً سيطرة فرانسه در

مناطق علوی‌نشین سوریه و اهداف تجزیه طلبانه فرانسویان در سالهای ۱۹۱۸ م تا ۱۹۴۸ م انگیزه لویی ماسینیون را برای شناخت این فرقه تقویت نمود و او را بر آن داشت که درصدد شناخت عمیقتر این فرقه برآید. فهرست مختصری که لویی ماسینیون در سال ۱۹۳۹^(۱۶) و سپس در سال ۱۹۶۳^(۱۷) از نسخ خطی و سرتی نصیری به نوشت، برگرفته از چند نسخه خطی و نیز کتاب الباکوره بود که تا آن وقت در کتابخانه ملی پاریس وجود داشت. و چون لویی ماسینیون به منابع خطی دست اول این فرقه آگاهی کامل نداشت فهرست وی عاری از اشتباه نبود و متأسفانه فهرست ماسینیون را در کتاب Opera minora عبدالرحمن بدوی عیناً در کتاب مذاهب الاسلامین خود نقل کرد. ماسینیون در سال ۱۹۶۱ م اثری دیگر در این باره از خود برجای گذاشت.^(۲۰) شاید بتوان ادعا نمود که در آن زمان مرکز تحقیقات فرانسه در دمشق به ریاست لویی ماسینیون توانست منابع و ماخذ ناشناخته‌ای را برای شناخت این فرقه شیعی در اختیار نویسندگان فرانسوی قرار دهد، ولی از نظر علمی این ماخذ همواره مورد شک و تردید قرار گرفته‌اند. جالب این است که بررسی دقیق برخی آثار خطی منسوب به این فرقه دست‌کاری برخی تفرقه افکنان و فرقه سازان را روشن می‌کند. منابع مورد توجه فرانسویان شامل تعداد اندکی از این قبیل نسخ خطی و گزارشهای ژنرالهای فرانسوی از مناطق علوی‌نشین و اخبار پراکنده بازرگانان و جهانگردان فرانسوی در آن مناطق بود.

برای روشن شدن کیفیت آشنایی خاورشناسان فرانسوی با یک فرقه مذهبی به اسناد منتشره وزارت امور خارجه فرانسه در پاریس^(۲۱) در سالهای ۱۹۱۸ م تا ۱۹۲۹ م اشاره می‌کنیم. این اسناد شامل جوابات مختلف این فرقه چون مسائل اقتصادی، اجتماعی، نظامی و سیاسی مناطق علویان نصیری است که از طرف خبرگان، دانشمندان و اساتید دانشگاهی برای وزارت امور خارجه فرانسه ارسال شده‌اند. به عنوان مثال، استاد رشته حقوق دانشگاهی لیون به نام «ایولین پل»^(۲۲) و نیز کمیته جمع آوری اطلاعات به نام «Service des renseignements» قسمت زیادی از این اطلاعات را به فرانسه ارسال کرده‌اند. سیاست فرانسه در جهت تأمین اهداف برنامه ریزی شده در سوریه همه وابستگان به فرانسه را به جمع آوری اطلاعات از مناطق علوی‌نشین و قبائل و فرق مختلف این فرقه فراخواند. تحقیقات فرانسه از تک‌نگاری مناطق علوی‌نشین سوریه چون شهرهای لاذقیه، طرطوس، جبله، جسرالشغور (که به غلط آن را جسرالشغور می‌خوانند) و برخی روستاهای شهر حمص شروع شد و کم کم به عقاید و تشکیلات دینی و کیفیت ارتباط با شیوخ و اختلافات دیرینه قبایل علوی نیز رسید. اسناد وزارت امور خارجه فرانسه در سالهای ۱۹۱۸ م تا ۱۹۲۹ م شامل بحثهایی درباره شیعه اثنی عشری (که رئیس آنان کامل‌بک‌الأسعد بود)، دروزید، علویان و قبایل عرب و چرکس و غیره بود. این اسناد که در واقع تحقیقات گروههای معلوماتی فرانسه در منطقه بود کاملاً دارای خط و سیر ویژه‌ای در جهت خدمت به اهداف فرانسویان است. در خلال این مباحث آنان سعی می‌کردند که از نقاط ضعف طوایف مختلف برای نفوذ در آنان استفاده کنند و نقاط قوت آنان نیز به طریقی در جهت گسترش سیاست فرانسه در منطقه به کار گرفته شود.

اولین طرحهای تحقیقاتی و کیفیت سازماندهی آنها در سوریه به وسیله رئیس میلران و جنرال گورو برنامه‌ریزی شد. میلران در ۱۹۲۰ م در تلگرافی سرتی به جنرال گورو، که دارای عنوان «طرح حکومت فرانسوی در سوریه» است، چنین می‌گوید: «علویان مقیم سواحل و کوههای ساحلی سوریه که به زبان عربی سخن می‌گویند گروهی دینی و مرتبط به اسلام

✽ بررسی دقیق برخی آثار خطی منسوب به این فرقه دستکاری برخی تفرقه افکنان و فرقه سازان را روشن می‌کند.

✽ در مدت ۴۰ سالی که فرانسویان به دلایل سیاسی علوی شناسی را کنار گذاشتند، فقط لوی ماسینیون است که در این مورد به کار خود ادامه می‌دهد.

✽ آثاری که طی ده سال اخیر درباره علویان در لبنان به چاپ رسیده است، قابل اعتماد نیستند.

پساورقی‌ها:

1. Catalogo.
2. Journal Asiatique, ser V, LXI, P. 149; ser. VII, LVIII, P. 523.
3. M. Clement Huart.
4. ibid, ser, VII, LXXV, P. 191.
5. Clement Huart, La Ioesie Religieuse Des Nosairis, Paris, Moccboox.
6. Edward E. Salisbury, see: Ali Akbar zicoe, Bibliography of Islamic Sects, Beirut, 1991, P. 173.
7. "The mysteries of the Nusairian Religion" in: Journal of the American oriental Society, 1894, PP. 227 - 308.
۸. نسخه پاریس 6182 arab نگارنده امضای کتابا گورا بر جلد این کتاب خود دیده است.
9. Henri Lammens, Les Nosairis., Nots sur Leur histoire et leur religion, Paris, 1899
10. "Les Nosairis furent - ils chre'tiens?" in Revue de l'orient chre'tien, 1901.
11. "Les Nosairis dans le liban" in: ibid, 1902.
12. "Une visite au shakhs Supreme des Nosairis Haidairis" in: Journa (Asiatique, janvier - fevrier, 1915, PP. 145 - 50.
13. Rene Dussaud, Histoire et religion des wosairis, Paris, 1900.
14. Louis Massignon, "Nusair" in: EL Leiden, 1913 - 34, Et Paris, 1960.
15. Revue du monde Musulman, Mars, 1922, vol. xlix, PP. 57 - 60
16. "Esquisse d'und bibliographie nusayrie" in: melanges Syrien's offerts a Monseieur René Dussaud, vol. 2 (Paris, 1939), PP. 913-922.
17. Opera Minora, Beyrouth, 1936, l/640 - 649.
۱۸. فهرس مصادر الفرق الاسلاميه، علی اکبر ضیاتی، دارالروضه، بیروت، ۱۹۹۱.
۱۹. چاپ بیروت، دارالعلم للعلايين، ۱۹۷۱، ۱ / ۱۷۶ - ۱۷۶ - ۲۰۶.
20. Les Nusairyries Elaboration De L' Islam, L' aris, 1961.
21. Quai d'Orsay.
22. Iuvelin Paul.
23. Territoire des Alautes
24. Comete R.D. Biron Sur Les Routes De Syer, Paris, 1928.
25. Piere may, L' Alaouite, Beirut, 1931, 798.
26. J. Weu'ersse, Le Pay des Alaouites, France, Institut Francais de Damas, 1940, 2 Vol.
27. Michel Seurat, La Syrie d'aujourd' hui, Edited by Andre Rajmond, Paris, CNRS, 1980.

می‌باشند، ولی این جمعیت در واقع از دایره اسلام خارج‌اند و نباید آنان را با مسلمانان در یک صف قرار داد.

هدف وی از این گفته تجزیه دینی منطقه علویان از مناطق سنی نشین بود. سرانجام در سال ۱۹۲۲ در نتیجه فعالیت‌های فرانسویان حکومت علویان به رسمیت شناخته شد و این منطقه به «بلاد العلمین» (۲۳) شهرت یافت. این منطقه شامل لاذقیه و اطراف آن یعنی صهیون، جبله، بانیا، صافیتا، طرابلس شام قدیم، ناحیه طرطوس و اطراف مصیاف می‌شد. در سال ۱۹۲۸ و در دوره حکومت فرانسویان کمت رد. بیرن نیز در کتاب در راه سوریه خود مطالبی درباره این فرقه می‌نویسد. (۲۴) سپس کاپیتان پیرمای با توجه به مشاهدات خود در متصرفان شهر لاذقیه که مرکز علویان سوریه است، کتابی به نام علویه (۲۵) درباره عقاید، آداب و رسوم مذهبی، شیوخ و قوانین داخلی قبایل علوی به رشته تحریر در آورد. وی در این کتاب سعی نموده است که احساسات علویان طرفدار فرانسه را به خود جلب نماید و فرانسویان را منادیان آزادی علویان از ظلم و ستم عثمانیان قلمداد کند. از مهمترین تحقیقات فرانسویان در دوره حکومت فرانسه در سوریه کتاب دو جلدی منطقه علویان از نویسنده مشهور فرانسوی ج. ویولرس است که در سال ۱۹۴۰ م نشر یافت. مؤلف در این کتاب به بررسی پراکندگی جغرافیایی علویان، تاریخ و اعتقادات آنان پرداخته است، ولی در ضمن از برخی از اقلیتهای دینی سوریه چون مسیحیت و فرقه اسماعیلیه نیز بحث کرده است. از همه مهمتر آنکه وی در جلد دوم نقشه‌ها و عکسهای بسیاری از مناطق علوی نشین آورده است. از سال ۱۹۴۰ م تا ۱۹۸۰ م یعنی به مدت ۴۰ سال فرانسویان، به دلیل شکست از حکومت مرکزی دمشق و برپیده شدن حکومت مستقل و خود مختار علویان، از تحقیقات خود دست برداشتند و فقط در این میان ماسینیون است که در سالهای ۱۹۶۱ م تا ۱۹۶۳ م به کار خود ادامه می‌دهد. در سال ۱۹۸۰ م میشل سورات (۲۷) در بحث خود درباره مذاهب و فرق مختلف سوریه مختصری درباره علویان سخن گفت. سپس در سال ۱۹۸۷ الاین نیجیر در کتاب علویان خویش مطالبی نه چندان تحقیقی درباره علویان به رشته تحریر در آورد. باید یادآور شد آثاری که در ده سال اخیر توسط فرانسویان و یا مارونیهای وابسته به فرانسه درباره علویان به چاپ رسیده‌اند و گاه با نامهای مستعار «انوریاسین» و یا «ابوموسی حریری» را با خود دارند، چندان قابل اعتماد نیستند. زیرا تألیف این آثار در جهت تضعیف علویان سوریه و حمایت معنوی از مارونیهای لبنان است و مسائلی را برای تحریک سایر مسلمانان مطرح می‌نمایند. از آن سال تاکنون تحقیق جدیدی درباره علویان در فرانسه به چاپ نرسیده است، و فقط شخصی به نام «ابوجیرانده»، که مترجم آثار نجیب محفوظ به فرانسوی است و در حال حاضر در شهر لاذقیه مرکز علویان سکونت دارد، کتاب العلویون بین الاسطوره و الحقیقه نوشته نویسندهای علوی به نام هاشمه عثمان را به زبان فرانسوی ترجمه می‌کند. متأسفانه مطالب بسیاری از کتاب مذکور راه که در سال ۱۹۸۵ در بیروت به چاپ رسیده ناشر به میل خود حذف نموده، ولی این فرانسوی قصد ترجمه نسخه کامل کتاب را دارد. چندی پیش نویسنده کتاب مذکور به راقم این سطور اطلاع داد که در جلد دوم کتابش با تفصیل بیشتری به عقاید علویان خواهد پرداخت و چون مطالب آن مستند به تعداد بسیاری از نسخ خطی و شری، حتماً از اهمیت خاصی برخوردار خواهد بود.